

# قائن و میراث او



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** پیدایش ۴، عبرانیان ۱۱: ۴؛ میکاه ۶: ۷؛ اشعیا ۱: ۱۱؛ اول قرنیتان ۱۰: ۱۳؛ اول یوحنا ۳: ۱۲؛ پیدایش ۵؛ پیدایش ۶: ۱ تا ۵.

**آیه حفظی:** «اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی» (پیدایش ۴: ۷).

در پیدایش آنچه بلافاصله پس از سقوط، و سپس اخراج آدم و حوا از باغ عدن رخ می دهد، عمدتاً تولدها و مرگها هستند، که همگی در راستای تحقق پیشگویی های خدا در موارد ذکر شده می باشند.

مانند فصل های مشابه، پیدایش ۳ و ۴ حاوی بسیاری از مضامین و کلام مشترک هستند: توصیف گناه (پیدایش ۳: ۶ تا ۸ را با پیدایش ۴: ۸ مقایسه کنید)، لعنت «زمین» (پیدایش ۳: ۱۷؛ با پیدایش ۴: ۱۱ مقایسه کنید)، و رانده شدن (پیدایش ۳: ۲۴؛ با پیدایش ۴: ۱۲ مقایسه کنید).

دلیل این تشابهات، برجسته ساختن مواردی بود که پیش از این اتفاق افتاده بود، یعنی نبوت ها و پیشگویی هایی که خدا پس از سقوط به آدم و حوا داده بود. اولین اتفاقی که پس از رانده شدن آدم از باغ عدن روی داد دلهای آنان را از امید پُر ساخت که تولد اولین پسر بود، رخدادی که حوا آنرا تحقق وعده ای می داند که در نبوت در خصوص مسیح موعود شنیده بود (پیدایش ۳: ۱۵). یعنی، او فکر کرد که فرزند او می تواند مسیح موعود باشد.

وقایع بعدی: جنایت قائن، جنایت لَمک، کاهش طول عمر، و شیوع شرارت که همه محقق شدن لعنت های بیان شده در پیدایش باب ۳ می باشند. با اینحال، حتی پس از آن، امیدها بر باد نرفته بود.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۷ فروردین - ۱۶ آوریل آماده شوید.

## قائن و هابیل

پیدایش ۴: ۱، ۲ را بخوانید. از این آیات در خصوص تولد این دو پسر چه می آموزیم؟

اولین رویدادی که توسط نگارنده کتاب مقدس بلافاصله بعد از رانده شدن آدم از باغ عدن ثبت شد، تولد است. در عبارت عبری در پیدایش ۴: ۱، کلمه یهوه «خداوند» بطور مستقیم به عبارت «مردی» پیوند خورده است، همانطور که ترجمه مستقیم زیر نشان می دهد: «مردی از خود خداوند حاصل نمودم». در نسخه استاندارد بین المللی چنین ترجمه شده است: «من [خدا - طفل] مذکری زاده ام».

این ترجمه مستقیم از عبارات پیشنهاد می کند که حوا پیشگویی منتسب به مسیح موعود را از پیدایش باب ۳: ۱۵ به خاطر داشته و باور داشته است که منجی خود، خداوند را به دنیا آورده است.

در واقع، بخش اعظم داستان را قائن اشغال می کند. او نه تنها اولین فرزند است، بلکه پسری است که تقریباً توسط والدین «پرستیده می شد»؛ در این فصل، او تنها برادری است که در آیات پیدایش از او صحبت می شود. در حالیکه حوا با هیجان در مورد تولد قائن اظهار نظر می کند، لیکن در خصوص ولادت هابیل هیچ نمی گوید، حداقل چیزی در آیه که در مقایسه با تولد قائن ثبت شده باشد. راوی بسادگی نقل می کند که او «بار دیگر طفلی دنیا آورد» (پیدایش ۴: ۲).

نام قائن از زبان عبری بر گرفته شده است، که به معنی «بدست آوردن» است و حاکی از استحصال، تصرف چیزی گرانقدر و قدرتمند است. از طرف دیگر، نام هابیل، که عبری است، به معنای «بخار» (مزمور ۶۲: ۹)، یا «نَفَس» (مزمور ۱۴۴: ۴) می باشد و حاکی از گریزان بود، تهی بودن، و چیزی است که فاقد ماده و جوهره می باشد؛ از سوی دیگر کلمه هابیل بارها و بارها در کتاب جامعه برای بیان «بطالت» استفاده شده است. اگرچه ما نمی خواهیم فراتر از آنچه که در متن وجود دارد برویم، اما شاید این عقیده بدین معنا باشد که امید آدم و حوا تنها به قائن بود، زیرا آنها معتقد بودند که او، و نه برادرش، مسیح موعود است.

چه چیزهایی در زندگی واقعا باطل و پوچ هستند، اما ما با آنها طوری برخورد می کنیم که گویی بسیار بیش از آنچه که هستند، اهمیت دارند؟ چرا دانستن تفاوت بین آنچه که مهم است و آنچه که نیست، مهم است؟

## دو پیشکش

تضاد بین قائن و هابیل، همانگونه که در مفهوم نامشان نشان داده شده است، فقط به شخصیت آنها مربوط نمی شد؛ این تضاد در کارهای آنان نیز آشکار بود. در حالی که قائن «کشاورز» بود (پیدایش ۴: ۲)، حرفه ای که نیازمند کار سخت فیزیکی بود، هابیل «شبان» بود (پیدایش ۴: ۲)، حرفه ای که دلالت بر حساسیت و شفقت دارد.

قائن تولید کننده محصول از خاک زمین بود. هابیل حافظ گوسفندان بود. این دو شغل نه تنها ماهیت دو پیشکش (محصول زمین از سوی قائن و گوسفند از سوی هابیل) را توضیح می دهد — همچنین دو نگرش و ذهنیت روانی متفاوت مربوط به این دو پیشکش را توصیف می کند: قائن برای «بدست آوردن» میوه ای که تولید می کرد کار و تلاش می کرد، در حالی که هابیل با دقت و احتیاط از گوسفندان «نگهداری» می کرد.

پیدایش ۴: ۱ تا ۵ و عبرانیان ۱۱: ۴ را بخوانید. چرا خدا هدیه هابیل را پذیرفت و هدیه قائن را رد کرد؟ چگونه باید بفهمیم که در اینجا چه اتفاقی افتاده است؟

«بدون ریخته شدن خون، آمرزش گناهان غیر ممکن بود و آنان باید با قربانی کردن نخست زاده گله خود، ایمانشان را به خون مسیح به عنوان قربانی وعده داده شده نشان می دادند. گذشته از این، نوبر محصولان زمین به عنوان هدیه شکرگزاری باید به حضور خداوند تقدیم و پیشکش می شد.» - (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۷۱).

در حالی که هابیل از دستورات خدا تبعیت می کرد و علاوه بر قربانی سوختنی، هدیه محصولات گیاهی را هم تقدیم خداوند کرد، ولی قائن از این کار کوتاهی کرد. او حیوانی را برای قربانی نیاورد، بلکه فقط هدیه ای از «محصول زمین» را تقدیم کرد. برخلاف رویکرد برادرش، این یک نافرمانی آشکار بود. غالباً این داستان به عنوان یک نمونه برجسته از نجات و رستگاری توسط ایمان (هابیل و هدیه خون او) در مقایسه با تلاش برای کسب رستگاری بوسیله اعمال (قائن و محصول زمین) مورد توجه قرار گرفته است.

اگرچه این هدایا بایستی از اهمیت روحانی برخوردار باشند، اما در خود ارزش جادویی نداشتند. آنها همیشه صرفاً نمادها و تمثیل هایی بودند که به خدایی اشاره داشتند که نه تنها نیازهای مادی گناهکار را مهیا می ساختند بلکه رستگاری را نیز برای او آماده می ساختند.

میکاه ۶: ۷ و اشعیا ۱: ۱۱ را بخوانید. چگونه می توانیم اصل بکار رفته در این آیات را در زندگی و عبادات خود اعمال کنیم؟

## جرم

پیدایش ۴: ۳ تا ۸ را بخوانید. چه روندی که باعث شد تا قائن برادرش را بکشد؟ اول یوحنا ۳: ۱۲ را نیز ببینید.

واکنش قائن دوگونه است: «قائن بسیار خشمگین شد و سر خویش را به پائین افکند» (پیدایش ۴: ۵). ظاهراً، قائن نسبت به خدا و هابیل خشمگین بود. قائن از خدا عصبانی بود زیرا تصور می کرد که او قربانی بی عدالتی شده است و از هابیل خشمگین بود زیرا به برادرش حسادت می ورزید. او به چه چیزی حسادت می کرد؟ تنها به پیشکش؟ مطمئناً، بیشتر از آنچه که در این آیات نشان داده شده، اتفاقاتی در پشت صحنه رخ داده است. مسائل هرچه که باشند، قائن ناراحت و غمگین بود، زیرا هدیه او پذیرفته نشده بود.

دو سوال خداوند در پیدایش ۴: ۶ با دو طرز برخورد قائن مربوط است. توجه داشته باشید که خداوند، قائن را متهم یا ملامت نمی کند. همانند آدم، خدا سوال می کند، نه به این دلیل که پاسخ را نمی داند، بلکه به این دلیل که می خواهد قائن به خود نظری بیندازد و سپس دلیل وضعیت خود را بفهمد. مانند همیشه، خداوند در پی نجات افراد سقوط کرده و گمگشته خود بود، حتی وقتی که آنها آشکارا به او وفادار نبوده اند. آنگاه، پس از مطرح کردن این سوالات، خداوند قائن را اندرز می دهد.

نخست، خدا از قائن می خواهد که به «آنچه نیکوست» عمل کند، تا رفتار درست و صحیح داشته باشد. این دعوت برای توبه و تغییر نگرش و رفتار اوست. خدا به قائن وعده می دهد که «پذیرفته» و بخشیده خواهد شد. به عبارتی، او می گوید که قائن می تواند مورد قبول خدا واقع شود، اما این باید براساس شرایط و خواست خداوند باشد، و نه قائن.

از سوی دیگر، «اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی» (پیدایش ۴: ۷). اندرز خداوند ریشه گناه را که در خود قائن بود، آشکار می کند. در اینجا، خداوند دوباره قائن پند و اندرز می دهد و در پی راهنمایی او به راهی است که باید طی کند.

دومین کلام از سفارش های خداوند درباره توجه به طرز برخورد نسبت به این گناه است که، «بر در به کمین او نشسته است و می خواهد بر تو [او] مسلط گردد». خدا خویشتن داری را توصیه می کند: «تو باید او را مغلوب کنی». همین قاعده در کتاب یعقوب نیز ظنین انداز است، هنگامی که او شرح می دهد که «هنگامی که کسی وسوسه می شود، هوای نفس خود اوست که او را می فریبد و به دام می افکند» (یعقوب ۱: ۱۴). انجیل نه تنها وعده بخشش گناه، بلکه وعده پیروزی بر آن را نیز به ما می دهد (به اول قرنیتیان ۱۰: ۱۳ مراجعه کنید). سرانجام، قائن هیچ کس را به خاطر گناهی که مرتکب شده مقصر نمی داند، مگر خودش را. آیا این موضوع در مورد ما نیز صدق می کند؟

این داستان ناگوار در خصوص آزادی اختیار و اینکه خدا ما را مجبور به اطاعت نمی کند، به ما چه می آموزد؟

۲۴ فروردین

چهارشنبه

## مجازات قائن

پیدایش باب ۴: ۹ تا ۱۶ را بخوانید. چرا خدا سوال می کند: «برادرت هابیل کجاست؟». چه ارتباطی بین گناه قائن و تبدیل شدن او به یک «آواره و سرگردان» (پیدایش ۴: ۱۲) بر روی زمین وجود دارد؟

سوال خدا از قائن بازتاب سوال او از آدم در باغ عدن است: «کجایی؟»، این پژواک ارتباط بین گناه در باغ عدن و این گناه را نشان می دهد: گناه دوم که (گناه قائن) بود، نتیجه گناه قبلی، یعنی (گناه آدم) بود.

گرچه قائن گناه خود را تصدیق نمی کند؛ ولی آنرا انکار می کند، کاری که آدم نکرد، با اینکه آدم سعی می کرد تا تقصیر را به گردن کس دیگری بیندازد. در مقابل، قائن آشکارا از خدا سرپیچی و تمرد می کند، خداوند وقت خود را صرف رویارویی قائن با جنایتش نمی کند. وقتی خدا سومین سوال را می پرسد، «چه کرده ای؟» او حتی منتظر پاسخ قائن نمی ماند. او به قائن یادآوری می کند که همه چیز را می داند، زیرا فریاد خون هابیل از زمین به او رسیده است (پیدایش ۴: ۱۰)، تصویری که نشان می دهد خدا از قتل آگاه است و به آن پاسخ می دهد. هابیل در خاک است، پیوند مستقیم به گذشته و سقوط انسان و آنچه که خداوند گفته است برای آدم اتفاق خواهد افتاد (به پیدایش ۳: ۱۹ نگاه کنید).

پیدایش ۴: ۱۴ را بخوانید. اهمیت سخنان قائن که می گوید: «از حضور تو پنهان خواهم بود» در چیست؟

به این دلیل که خون هابیل روی زمین ریخته شد، زمین دوباره لعنت شد (پیدایش ۴: ۱۲). در نتیجه، قائن محکوم می شود که دور از خداوند آواره و سرگردان شود. فقط وقتی قائن حکم خدا را شنید، به اهمیت حضور خدا پی می برد و آنرا اذعان می کند؛ چرا که بدون حضور خداوند، او نگران زندگی خود بود. حتی پس از قتل بی رحمانه هابیل توسط برادرش قائن و سرکشی قائن در برابر خدا، او همچنان نسبت به او رحیم بود، و با اینکه «قائن از حضور خداوند بیرون رفت» (پیدایش ۴: ۱۶)، خداوند هنوز به نوعی از او محافظت می کرد. دقیقاً از

«نشانی» که او بر قائن گذاشت (پیدایش ۴: ۱۵) حرفی به میان نیامده است، اما هرچه بود، فقط به خاطر لطف و رحمت خدا نسبت به او بوده است.

«پنهان از حضور خدا» (پیدایش ۴: ۱۴) – چه چیزی در پیشگاه خدا پنهان است؟ این وضعیت غم انگیزی برای هر کسی است. تنها راهی که ما به عنوان گناهکار می توانیم از این وضعیت دوری کنیم، چیست؟

۲۵ فروردین

پنجشنبه

## شرارت انسان

پیدایش باب ۴: ۱۷ تا ۲۴ را بخوانید. میراث قائن چه بود، و چگونه جنایت قائن راه را برای شرارت روز افزون بشر گشود؟

لَمِک (از نوادگان) قائن، به جنایت قائن در زمینه جنایت خودش اشاره می کند. این مقایسه بین جنایت قائن و جنایت لَمِک آموزنده است. در حالیکه قائن در مورد تنها جنایتی که در ارتباط با او ثبت شده سکوت می کند، به نظر می رسد که لَمِک به جنایت خود افتخار می کند و آنرا در قالب یک سرود بیان می کند (پیدایش ۴: ۲۳، ۲۴). در حالی که قائن از خدا درخواست رحمت و بخشش می کند، در ارتباط با درخواست عفو و رحمت لَمِک چیزی در کتاب مقدس چیزی نوشته نشده است. در حالی که خداوند از قائن هفت بار انتقام گرفته است، لَمِک معتقد است که خداوند هفتاد و هفت بار از او انتقام خواهد گرفت (نگاه کنید به پیدایش ۴: ۲۴)، این اشاره به این مطلب دارد که او خیلی خوب از گناه خود آگاه است. همچنین، قائن فقط یک همسر اختیار کرد (پیدایش ۴: ۱۷)؛ اما کتاب مقدس لَمِک را بعنوان کسی که چند همسر داشت معرفی می کند و بطور خاص به این موضوع اشاره می کند، «لَمِک دو زن گرفت» (پیدایش ۴: ۱۹). این تشدید و اعتلای شر قطعاً نسلهای بعدی منتسب به قائن را تحت تاثیر قرار می داد.

بلافاصله پس از این دوران شرارت در خانواده منتسب به قائن یا قائنیان، متن کتاب مقدس یک رویداد جدید را ثبت می کند که با گرایشات و روند قائنیان مقابله می کند. «آدم همسر خود را شناخت» (پیدایش ۴: ۲۵)، و در نتیجه شیث متولد شد، که نام او توسط حوا گذاشته شد تا نشان داده شود «خدا به جای هابیل که قائن او را کشت، نسلی دیگر...» قرار داده است. در واقع، سابقه نام شیث به قبل از هابیل می رسد. نام شیث از فعل عبری آشیت برگرفته شده است که به معنی «قرار خواهم داد» می باشد (پیدایش ۳: ۱۵)، که نبوت مسیح را معرفی می کند. ذریت منتسب به مسیح موعود از طریق شیثیان، ادامه می یابد. بنابراین، در متن کتاب مقدس، نسل منتسب به مسیح از شیث شروع می شود (پیدایش ۵: ۳)، که

شامل خنوع (پیدایش ۵: ۲۱)، متوشالح می شود و با نوح (پیدایش ۶: ۸) پایان می یابد. عبارت «پسران خدا» (پیدایش ۶: ۲) به نسل شیث اشاره دارد، زیرا آنها برای حفظ شمائل خدا آفریده شدند (پیدایش ۵: ۱، ۴). از سوی دیگر، به نظر می رسد عبارت «دختران انسان» (پیدایش ۶: ۲) دارای یک مفهوم منفی است، تضاد نسلی که شبیه [خدا هستند با کسانی که شبیهانسان هستند. و تحت تاثیر این «دختران انسان ها» است که «پسران خدا»، «هر یک را بر می گزیدند و به زنی می گرفتند» (پیدایش ۶: ۲)، که بیانگر مسیر اشتباهی است که بشر در آن گام نهاد.

پیدایش ۶: ۱ تا ۵ را بخوانید. چه شهادت قوی از تباهی گناه! چرا باید با تمام توان گناه را در زندگی خود ریشه کن کنیم؟

۲۶ فروردین

جمعه

**تفکری فراتر:** عبارت تکرار شده «خنوخ با خدا راه می رفت» (پیدایش ۵: ۲۲ و ۲۴) به معنی صمیمیت و همراهی روزانه با هداست. رابطه شخصی خنوخ با خدا چنان خاص بود که «خدا او را برد» (پیدایش ۵: ۲۴). این عبارت آخر در نسل شناسی آدم منحصر بفرد است و از ایده زندگی در فردوس بلافاصله پس از مرگ را برای کسانی که با «خدا گام بر می دارند» پشتیبانی نمی کند. توجه داشته باشید که نوح نیز با خدا راه می رفت (پیدایش ۶: ۹) و او نیز مانند خیلی از انسان ها مرد، از جمله آدم و متوشالح. جالب توجه است که هیچ دلیلی داده نشده است تا این فیض خاص را توجیه کند.

خنوخ به واعظی پارسا مبدل شد و آنچه را که خداوند به او نشان داده بود به مردم تعلیم می داد. آنانی که خداترس بودند از این مرد مقدس پیروی کردند تا از تعلیم و دعاهای او بهره مند شوند. او همچنین به طور علنی تلاش کرد تا پیام خدا را به همه کسانی که می خواستند کلام هشدار دهنده را بشنوند ابلاغ کند. زحمات او منحصر به مردم خودش نبود. نبی خدای در سرزمینی که قاپن سعی کرده بود از حضور خدا فرار کند، صحنه های خارق العاده ای را که خداوند در رویا به او نشان داده بود، به همگان اطلاع دهد. او به مردم اعلام کرد «هان، خداوند با هزاران هزار تن از مقدسان خود می آید تا بر همگان داوری کند و همه بی دینان را به سبب تمامی کارهای خلاف دینداری که در بی دینی کرده اند، و به سزای جمله سخنان زشتی که گناهکاران بی دین بر ضد او گفته اند به محکومیت رساند» (یهودا ۱۴ و ۱۵).

سوالاتی برای بحث:

۱. چرا قائن برادر خود را کشت؟ نظریه الی ویزل را در ذیل بخوانید: «چرا او اینکار را کرد؟ شاید او می خواست تنها و تک بماند: تنها فرزند و تنها انسان بعد از مرگ والدینش. تک [یگانه] همانند خدا و شاید تنها جانشین خداوند.... قائن کشت تا خدا شود.... هر شخصی که خود را خدا تصور کند، در نهایت قاتل انسان میشود». [الی ویزل، پیام آوران

